

تحلیل و نقد ماده ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی (حرمت ابدی ناشی از ازدواج در ایام عده)

عبدالله بهمن پوری*

چکیده

اگر در ایام عده اقدام به ازدواج شود در دو صورت میان مرد و زن حرمت ابدی به وجود می‌آید. این دو حالت به تبعیت از فقه در قانون مدنی در مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ متبلور گردیده است. حالت اول عقد کردن زنی که در عده است حتی اگر نزدیکی صورت نگیرد و حالت دوم جهل به عده اما با وقوع نزدیکی است. در خصوص این مواد ابهامات و سؤالات فراوانی وجود دارد، از جمله اینکه چگونه باوجود اصول و قواعد در خصوص معذور بودن جاهل چنین حکمی در مورد فرد جاهل وجود دارد؟ آیا دخول موجب حرمت باید در زمان عده باشد یا بعد آن هم کفایت می‌کند؟ حکم شرعی فرزندان متولد از چنین نکاحی چیست؟ و از همه مهم‌تر آیا راهکاری برای تخلص از حرمت ابدی وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش حاکی است یکی از راه‌های رهایی از حرمت ابدی این است که معمولاً صیغه‌ی عقد ازدواج، توسط وکیل اجرا می‌گردد. بنابراین، محدوده‌ی وکالت وکیل «ایجاد عقد صحیح» است، نه ازدواجی که فاسد بوده و حرمت ابدی به دنبال داشته باشد. بدین جهت، چنانچه وکیل صیغه‌ی عقد ازدواج فاسدی را اجرا کند، چنین عقدی اثری ندارد و برای تحقق موضوع حرمت باید دخول هم در ایام عده باشد تا حکم حرمت ابدی ثابت شود، پس اگر نزدیکی بعد از پایان گرفتن عده صورت گیرد، زن به منزله‌ی زن شوهردار نبوده و نزدیکی موجب حرمت نیست.

واژگان کلیدی

ازدواج در عده، حرمت ابدی، جهل به حکم، عده.

*. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (bahmanpouri10@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

مسئله ازدواج در عده یکی از مسائل فقهی است که ممکن است بر اثر ناآگاهی از احکام شرعی برای زنان و مردان مسلمان اتفاق افتد. این مسئله گاهی تبدیل به یک بحران برای خانواده‌ها می‌شود. شاهد بر این مطلب استفتائات فراوان از مراجع عظام تقلید است. به عنوان مثال در سؤالی آمده است: خانمی که عقد موقت داشته و تخلیه رحم کرده است، نمی‌داند که باید عده نگه دارد و بعد از مدتی که از اتمام مدت صیغه گذشته، ازدواج کرده و اکنون متوجه مطلب شده است. با توجه به اینکه سه سال از آن زمان می‌گذرد و نمی‌داند ازدواجش بعد از عده بوده یا در عده صورت گرفته است، آیا این خانم به شوهرش حرام ابدی می‌شود؟ آیا در حکم بین خانمی که علم به نگه داشتن عده دارد با خانمی که جاهل به آن است، فرقی وجود دارد؟

که در پاسخ آمده است: اگر نمی‌داند که عقدش در عده واقع شده یا بعد از آن، عقد محکوم به صحت است ولی اگر بداند که عقد در عده واقع شده لیکن نمی‌داند که باید عده نگه‌دارد، آن عقد باطل است و اگر آن مرد با او نزدیکی کرده بر هم حرام مؤبد شده‌اند (پایگاه استفتائات khamenenei.ir).

۱۰۸

به تبعیت از فقه، ماده ۱۰۵۰ قانون مدنی بیان می‌دارد: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علیه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود». ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی نیز بیان می‌دارد: «حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد. در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود». در واقع یکی از مشکلات بزرگ در مباحث حقوق خانواده، نکاح در حال عده است. این حادثه بر اثر ناآگاهی نسبت به موضوع و حکم فراوان است و گاه با توجه به حکم شرعی، ولی غفلت از موضوع رخ می‌دهد. به این ترتیب زنی که از همسرش طلاق می‌گیرد، هنوز عده تمام نشده، به عقد مرد دیگری درمی‌آید و آمیزش نیز صورت می‌گیرد. این زن چه بسا که زندگی خوبی را با شوهر دوم، پس از ناکامی در ازدواج اول آغاز کرده و از ازدواج جدید خویش کاملاً راضی و خرسند است و گاه خداوند به آنان فرزندان نیز عنایت می‌کند. پس از مدتی، ناگهان متوجه می‌شوند که ازدواج باطل بوده و حتی بر آن شوهر حرام ابدی شده؛ چون در عده ازدواج کرده و آمیزش نیز حاصل شده است، زیرا ازدواج در عده دیگری در دو صورت موجب حرمت ابدی است: چنانچه عالم به حرمت ازدواج

و عده باشد و در صورتی که جاهل بوده، ولی دخول حاصل شده باشد. بنابراین چاره‌ای جز جدایی همیشگی ندارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۱۵۵).

لذا در دو صورت، علاوه بر حرمت و بطلان نکاح، حرمت ابدی نیز ایجاد می‌شود. امام خمینی در این رابطه بیان می‌دارند: «رجعی باشد یا بائن، در عده‌ی وفات باشد یا در غیر آن، از ازدواج دائم باشد یا از منقطع یا از وطی شبهه باشد. پس اگر با او ازدواج نماید چنانچه هر دو، موضوع و حکم را بدانند، به اینکه بدانند که او در عده است و بدانند که در عده ازدواج با او جایز نیست. یا یکی از آن‌ها موضوع حکم و حکم را بدانند، ازدواج باطل است و ابداً بر او حرام می‌شود، چه به او دخول کرده باشد یا نه؛ و همچنین است اگر موضوع و حکم را ندانند یا یکی از آن‌ها را ندانند و به او ولو در دبر دخول نموده باشد؛ و اما اگر به او دخول نکرده باشد عقد باطل است ولیکن بر او ابداً حرام نیست، پس می‌تواند بعد از انقضای عده‌ای که دارد، از نو او را عقد نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۸۳). صاحب جواهر نیز همین مطلب را بیان نموده است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۹: ۴۲۸). شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «هرگاه با زنی که در عده است، با اطلاع و آگاهی بر مسئله، ازدواج کند، باید از هم جدا شوند و بر همدیگر حرام ابدی می‌شوند؛ هر چند آمیزشی صورت نگرفته باشد. مالک (یکی از فقهای معروف عامه) موافق نظریه‌ی ماست و با تمام فقهای عامه در این مسئله مخالفت کرده است. دلیل ما اجماع و اتفاق فقهای شیعه و اخبار و روایات اهل‌البیت علیهم است و در صورت جهل و دخول در زمان عده، نیز باید از هم جدا شوند و حرمت ابدی ایجاد می‌شود. عمر و مالک و شافعی در فتوای قدیم خود هم عقیده‌ی ما هستند؛ ولی در نظریه‌ی جدیدش معتقد است پس از پایان عده می‌توانند از نو عقد بخوانند. همان‌گونه که ابوحنیفه و بقیه‌ی فقهای اهل سنت نظریه‌ی جدید شافعی را پذیرفته‌اند. دلیل ما اجماع فقهای شیعه و مقتضای احتیاط است» (طوسی، ۱۴۰۷ق: مسئله‌ی ۹۸). صاحب جواهر پس از طرح مسئله‌ی ازدواج در عده در حال علم و آگاهی از حکم و موضوع و همچنین در صورت جهل ولی آمیزش در حال عده و حکم به بطلان و حرمت ابدی، می‌فرماید: «هیچ اختلافی بین فقهای شیعه در هیچ‌یک از اموری که ذکر شد نیافتیم. بلکه اجماع و اتفاق آنان، هم اجماع منقول و هم اجماع محصل، در این مورد وجود دارد و این اجماع، علاوه بر روایات فراوان، مستند ما در این فتواست» (نجفی، بی‌تا، ج ۲۹: ۴۳۱). محقق خویی بیان می‌دارد مسئله اجماعی است و اختلافی در میان مسلمین نیست و این حکم از مواردی است که در کتاب و سنت و اجماع اشکالی در آن نیست. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲: ۱۶۷). شایان ذکر است

با عنایت به اطلاق آیات و روایات این باب و معقد اجماع، فرقی میان اقسام عده و اقسام ازدواج نیست و در همه‌ی موارد تزویج در عده موجب حرمت ابدی است (اشتهاردی، ۱۳۷۷ق، ج ۲۹: ۲۱۱).

۲- روایات مرتبط با حرمت ابدی ناشی از ازدواج در ایام عده

در باب مذکور بیست و دو روایت ذکر شده، که مفاد روایات را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:
الف- روایات دال بر حرمت ابدی به صورت مطلق: «مردی زن مطلقه‌ای را قبل از انقضای مدت عده‌ی او به تزویج خود درمی‌آورد. امام (ع) می‌فرماید: از یکدیگر جدا می‌شوند و آن زن ابداً بر آن مرد حلال نمی‌شود». (خویی، ۱۳۷۱ق، ج ۳۲: ۱۶۷).

ب- روایات نفی‌کننده‌ی حرمت ابدی به صورت مطلق: «از امام (ع) درباره‌ی زنی سؤال شد که قبل از انقضای عده ازدواج می‌کند. امام (ع) می‌فرماید: از یکدیگر جدا می‌شوند و آن مرد می‌تواند یکی از خواستگاران آن زن باشد (همان: ۱۶۸).

ج- روایات تفصیل در حرمت ابد بین علم و جهل: «از امام (ع) سؤال شد که شنیده‌ایم که پدر شما فرموده اگر مردی زنی را در عده به ازدواج خود درآورد ابداً بر او حلال نمی‌شود، امام (ع) فرمودند این درجایی است که عالم باشد اما اگر جاهل باشد از او جدا می‌شود و زن عده نگه می‌دارد سپس او را با نکاح جدیدی به عقد خود درمی‌آورد (همان).

د- روایات تفصیل در حرمت ابدی بین دخول و عدم دخول: «از مردی سؤال شد که زنی را در ایام عده به ازدواج خود درآورده است. فرمودند: از یکدیگر جدا می‌شوند و اگر دخول صورت گرفته باشد برای زن مهر است و ابداً بر یکدیگر حلال نمی‌شوند و اگر دخول صورت نگرفته باشد چیزی برای زن نیست» (همان: ۲۱۱).

با عنایت به روایات باب ملاحظه می‌گردد که از روایات مطلب واحدی مستنبط نمی‌شود و تعارض شدیدی میان روایات موجود است تا جایی که علما اقدام به جمع میان روایات نموده‌اند.

۲-۱- طریق جمع میان روایات

سید حکیم در جمع میان روایات بیان می‌دارد: «اگر دو قطعه‌ی روایات دسته‌ی سوم و همچنین دو قطعه‌ی روایات دسته‌ی چهارم بیانگر دو حکم الزامی بود: این دودسته متنافی می‌شدند لکن در ما نحن فیه هر چند قطعه اول هر دو طائفه حکم الزامی را بیان می‌کند لکن قطعه دوم آن‌ها بیانگر حکمی ترخیصی است؛ و بین حکم الزامی و حکم ترخیصی تنافی نیست (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۱۱۷).

مطابق این دیدگاه برخی روایات دال بر حکم الزامی است یعنی روایت حاوی وجوب یا حرمت که حکم الزامی تلقی می‌شوند و برخی دیگر دال بر حکم ترخیصی یعنی غیر از وجوب و حرمت هستند، لذا تعارض مستقر نمی‌شود. لذا این دیدگاه قابل نقد است چراکه تعارض میان روایات مشهود و مستقر است. برخی روایات دخول را علت حرمت ابدی می‌دانند و برخی دیگر صرف نکاح در ایام عده را علت حرمت ابدی می‌دانند. برخی نیز علم و جهل را دخیل در حرمت و عدم حرمت دانسته‌اند.

از منظر آیت‌الله خویی به دو نحو می‌توان بین این روایات را جمع کرد: جمع اول: قطعه اول هر دو گروه از یک جهت مطلق است (گروه سوم در فرض علم، نکاح جدید را حرام می‌داند خواه دخول شده باشد یا خیر و گروه چهارم در فرض دخول، نکاح جدید را حرام می‌داند خواه از دواج سابق عن علم باشد یا خیر) و اگر دلیل خاصی داشتیم که می‌گفت تنها علم با دخول برای حرمت ابدی کافی نیست این دلیل هر دو طائفه را تقیید کرده و شاهد جمع شده و می‌گفتیم علم و دخول به شرط الانضمام موجب حرمت ابدی می‌شوند، پس احد الامرین برای حرمت ابدی کافی نیست. جمع دوم: همچنین قطعه دوم هر دو گروه نیز از جهتی مطلق است، گروه سوم در فرض جهل نکاح جدید را مطلقاً جایز می‌داند ولو دخول انجام شده باشد و گروه چهارم در فرض عدم دخول نکاح جدید را مطلقاً جایز می‌داند هر چند نکاح قبلی عن علم صورت گرفته باشد، اگر دلیل خاصی که در خصوص فرض «دخول مع الجهل» یا «عدم دخول مع العلم» اثبات حرمت ابدی می‌کرد شاهد جمع شده و قطعه دوم گروه سوم و چهارم را تقیید می‌زدیم و می‌گفتیم در فرض جهل در صورتی نکاح جدید جایز است که دخول نشده باشد و همچنین در فرض عدم دخول در صورتی نکاح جایز است که نکاح قبلی عن علم نباشد، در نتیجه، احد الامرین - من العلم و الدخول - برای حرمت ابدی کافی است و اجتماع هر دو امر برای حرمت ابدی لازم نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲: ۱۷۱ و اشتهاردی، ۱۳۷۷ق، ج ۲۹: ۲۱۷).

۲-۲- تحلیل جمع میان روایات

با توجه به اینکه روایات وارده در باب دارای سند صحیح هستند ولی از طرفی تعارض نیز مستقر است با عنایت به قاعده‌ی «اصولی الجمع مها ممکن اولی من الطرح» جمع میان روایات ضرورت دارد. نتیجه‌ی جمع میان روایات این است که حرمت ابدی در لسان روایات مقید به دو وجه است اول از جهت علم به حرمت و دوم از جهت دخول. لذا تمام الموضوع برای تحریم ابدی

احد الامرین است اول دخول مطلقاً چه علم داشته باشد و چه علم نداشته باشد و دوم علم به حرمت چه دخول شود و چه دخول نشود. لذا دیدگاه آیت‌الله خوئی مطابق با قواعد و اصول است.

۳- راهکارهای رهایی از حرمت ابدی

معمولاً صیغهی عقد ازدواج، توسط وکیل اجرا می‌گردد. یعنی عروس و داماد به وکیل خود وکالت می‌دهند که صیغهی صحیح نکاح را برای آنان جاری نموده تا بتوانند در کنار هم تا آخر عمر با آرامش خیال زندگی کنند. بنابراین، محدوده‌ی وکالت وکیل «ایجاد عقد صحیح» است، نه ازدواجی که فاسد است و حرمت ابدی به دنبال داشته باشد. بدین جهت، چنانچه وکیل صیغهی عقد ازدواج فاسدی را اجرا کند، چنین عقدی اثری ندارد، زیرا از روی ناآگاهی خارج از محدود وکالتش عمل کرده و صیغهی خوانده که وکالت در آن نداشته است. بنابراین هیچ اثری بر چنین نکاحی باز نمی‌شود. هرچند روابط زناشویی آن مرد و زن روابط حرامی محسوب نمی‌شود، زیرا تصور می‌کردند زن و شوهر هستند و در حقیقت احکام وطی به شبهه را دارد. در یک جمله‌ی کوتاه، آنچه واقع شده (نکاح فاسد) موردنظر عروس و داماد نبوده و آنچه موردنظر عروس و داماد بوده (نکاح صحیح) رخ نداده است. بنابراین در حقیقت عقدی از سوی زوجین نه مباشرتاً و نه وکالتاً انجام‌نشده تا موجب حرمت ابدی شود. این، راهکاری مشروع و هماهنگ با ادله‌ی شرعی است، برای کسانی که مبتلابه نکاح در عده می‌شوند. البته ما استفاده از این راهکار را به کسانی که دست به چنین ازدواج‌هایی زده و جدایی برایشان مشکل است توصیه می‌کنیم. در غیر این صورت، بهتر است احتیاط کنند و از چنین ازدواجی چشم‌پوشند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۱۵۵). «علت این که در فرض وکالت حرمت ابدی ایجاد نمی‌شود این است که در صورت بطلان وکالت، فعل وکیل استناد به موکل داده نمی‌شود و محل بحث از همین قبیل است. زیرا زوج و زوجه شخصی را برای عقد فاسدی وکیل کرده که از آن اطلاع نداشته‌اند، پس همان‌گونه که انشاء عقد فاسد بالمباشرة صحیح نیست و امکان‌پذیر نیست، وکالت برای چنین عقدی نیز باطل است» (خوئی، ۱۳۷۱ق، ج ۳۲: ۱۷۵). هرگاه ولی زوج زنی را که ایام عده را می‌گذرانند به ازدواج وی درآورد درحالی که خود به حکم و موضوع عالم باشد و نیز در موردی که وکیل به همین صورت اقدام به عقد کند، مسئله‌ی نکاح و رابطه‌ی بین طرفین تابع چه حکمی است؟ فقها عقیده دارند چنین عقدی موجب حرمت ابدی نمی‌شود. چون مستنبط از ادله این است که مناط در حرمت علم زوج است نه علم ولی یا وکیل. البته باید توجه داشت در مورد وکالت بین اینکه مورد معین باشد یا به نحو اطلاق فرق دارد. اگر وکالت برای تزویج زن معین نباشد، حکم مسئله همان است که گفته شد. ولی اگر وکیل

وکالت در ازدواج زن معینی داشته و آن زن در عده باشد، ظاهراً این مسئله مانند موردی است که خود مرد مباشرةً اقدام به تزویج زن معتده نموده باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲ق، ج ۲: ۸۲۶).

۴- ازدواج در عده وفات با جهل زن به فوت شوهر

نمی‌توان با زنی که در عده وفات است، مانند عده طلاق، ازدواج کرد. حال اگر شوهر زنی فوت کند و زن آگاه به فوت نباشد ولی مرد آگاه باشد، آیا در صورت تحقق عقد حرمت ابدی ایجاد می‌شود؟ عده‌ای می‌گویند موجب حرمت ابدی نیست. زیرا مقتضی حرمت این است که زن معتده یا مزوجه باشد و چنین زنی نه معتده است نه مزوجه. مزوجه نیست چون شوهرش فوت کرده، معتده نیست چون زن از فوت شوهر بی‌اطلاع است؛ و عده وفات بعد از اطلاع زن از فوت شوهرش شروع می‌شود و چون زن بر وفات اطلاع نیافته پس در عده نیست. در نتیجه چنین عقدی موجب حرمت نمی‌گردد. اکثر فقها بر این نظر اتفاق دارند و معتقدند فرقی نمی‌کند که مدت سپری شده از زمان فوت تا تاریخ وقوع عقد و دخول، به میزان مدت عده وفات باشد یا خیر (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۲؛ جبعی‌العاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۳۳۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴: ۱ و ۳۴).

با این حال باید توجه داشت عقدی که در زمان عده صورت گرفته باطل است. چراکه صحت آن عقد با اتخاذ عده و حداد (ترک زینت) منافات دارد. به عبارت روشن‌تر وجوب اتخاذ عده و حداد از زمان رسیدن خبر فوت همسر است؛ و این عمل به لحاظ احترام به متوفی است. از این جهت صحت عقد با وجوب عده یا حداد منافات پیدا می‌کند. در مقابل اکثر فقها، عده‌ای دیگر معتقدند که این ازدواج موجب حرمت ابدی می‌گردد. استدلال طرفداران این قول آن است که: چنانچه فرضاً ازدواج از این پس (پس از اطلاع از فوت) اتفاق می‌افتاد یقیناً موجب حرمت ابدی بود، لذا به طریق اولی ازدواجی که قبل از این تاریخ اتفاق افتاده بایستی موجب حرمت ابدی باشد؛ زیرا که زمان آن نزدیک‌تر به وفات است (حائری، بی‌تا، ج ۱۱: ۲۳۱). به نظر می‌رسد قواعد حقوقی مؤید نظریه‌ی اول است. ولی احتیاط اقتضاء می‌کند که چنین زن و مردی با یکدیگر ازدواج نکنند.

۵- تحلیل موضوع با عنایت به احادیث رفع مسئولیت جاهل

در اینکه فرد آگاه به مسائل شرعی اگر احکام شرعی را نقض کند مستحق مذمت، مواخذه، مجازات و داری مسئولیت است شکی نیست اما در مورد شخص جاهل روایاتی وجود دارد که چنین فردی متفاوت از شخص عالم به احکام است، عقل نیز این مطلب را تأیید می‌کند و مذاق شریعت اسلامی نیز بر همین منوال است. از جمله احادیث معروف این باب حدیث رفع است:

محمد بن علی بن الحسین فی التوحید و الخصال عن أحمد بن محمد بن یحیی عن سعد بن عبد الله عن یعقوب بن یزید عن حماد بن عیسی عن حریر بن عبد الله عن ابي عبد الله ع قَالَ: قال رسول الله (ص) رفع عن أمتی تسعه اشیاء الخطأ و النسیان - و ما أكرهوا علیه و ما لا یعلمون - و ما لا یطیقون و ما اضطرُّوا الیه - و الحسد و الطَّیره - و التفکر فی الوسوسة فی الخلوة ما لم ینطقوا بشقة (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ۳۶۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ۳۵۳؛ قمی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ۴۱۷). پیامبر اسلام (ص) فرمودند: از امت من نه چیز برداشته شده است و آنها عبارتند از: سهو، و خطا، و فراموشی، و آنچه بدان وادار شده‌اند، و آنچه نمی دانند و آنچه بیرون از توان ایشان است، و فال بد و حسد یا رشک بردن و اندیشیدن و سوسه آمیز در مورد مردم، مادام که آدمی با لب سخن نگفته باشد، یا تفکر و سوسه آمیز در مورد خلقت کائنات تا زمانی که سخنی بر لبها جاری نشده باشد. (چون اینها در اختیار انسان نیست ولی نباید واکنشی نشان دهد چون بعمل آوردن در اختیار انسان است). حال با عنایت به احادیث مذکور و قاعده‌ی فقهی الجاهل معذور و لا عقوبه الا علی العالم، جای سؤال است که حرمت ابدی ناشی از ازدواج در عده هنگام جهل طرفین یا یکی از آنها چگونه توجیه می‌شود؟ برای عذر بودن جهالت به روایتی استناد شده است که می‌گوید: جهل به عده، چه جهل به موضوع باشد و چه جهل به حکم، باعث می‌شود که زن بر شخص حرام ابد نشود و بعد از انقضای عده می‌تواند با او ازدواج کند. البته حضرت در روایت این نکته را هم فرموده که معذور بودن جهل به حکم روشن‌تر است چون برخلاف جاهل به موضوع، جاهل بر حکم قدرت بر احتیاط ندارد. بعد یک سؤال دیگری مطرح می‌کند که اگر یکی از آن دو متعمد و دیگری جاهل بود چه حکمی دارد که حضرت می‌فرماید: نسبت به متعمد، عقد باطل است و حرمت ابد ثابت می‌شود. این روایت به روایت صحیح توصیف شده است اما در دلالت آن بر مدعا مناقشه شده است که نهایت چیزی که از این روایت مستفاد است جهل به تحریم در واقعه‌ای خاص عذر است و اصاله الاباحه در مقام شک در حرمت، در صورت خاص معتبر است و نمی‌توان به این روایت برای اثبات یک اصل کلی استناد کرد؛ و اگر مراد از روایت بیان این باشد که جهل مرد عذر تلقی می‌شود برای جواز تزویج زن در حالی که آن زن در عده است، در این صورت این روایت مخالف اجماع خواهد بود، چراکه احدی از فقها در اینجا قائل به این نیست که فرد جاهل معذور است (حائری، ۱۳۹۶ق: ۵۱۶). ایشان با عنایت به اینکه اینجا اجماع و حکم خاص شرعی وجود دارد چنین جهلی را مؤثر نمی‌دانند. شیخ انصاری در رسائل در نقد کسانی که به این روایت برای اثبات اصل برائت تمسک کرده‌اند می‌گوید: با عنایت به نشانه‌های موجود در روایت، این روایت

ارتباطی به بحث برائت و اشتغال ندارد، چون بحث برائت و اشتغال در مورد حکم تکلیفی است، اما در این روایت، سؤالات و جوابها اصولاً مربوط به حکم تکلیفی نبوده و مربوط به حکم وضعی یعنی حرمت ابد می‌باشند. لذا از روایت مستفاد نیست که فرد از حیث تکلیفی هم معذور است و مجاز است که در عده ازدواج کند. یعنی، مطلقاً نمی‌توان قائل به جواز تکلیفی در این مورد شد. شیخ انصاری در مورد تفصیلی که در روایت بین جهل به حکم و جهل به موضوع داده شده، اشکالی را مطرح می‌کند که حاصلش چنین است: تعلیلی که در این روایت برای تفصیل مزبور ذکر شده، مبنی بر اینکه جاهل به حکم، قدرت بر احتیاط ندارد اما جاهل به موضوع، قدرت بر احتیاط دارد، این تعلیل معنایش واضح نیست. چون اگر جهل را به معنای جهل مرکب و غفلت بگیریم، هم در جهل به حکم و هم در جهل به موضوع، قدرت بر احتیاط نخواهد داشت و اگر جهل به معنای جهل بسیط باشد یعنی به معنای شک باشد، در این صورت، هم در جهل به حکم و هم در جهل به موضوع، قادر بر احتیاط خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۲۸). ما جهل را در هر دو مورد حمل بر غفلت می‌کنیم و این استعمال رایجی است که جهل به معنای غفلت باشد؛ اما وجه تفکیک بین جهل به عده و جهل به حکم در اولی قدرت بر احتیاط دارد و در دومی قدرت بر احتیاط ندارد. این است که، جهل به حکم به معنای غفلت از حکم تکلیفی است و در فرض غفلت از حکم تکلیفی احتیاط ممکن نیست، احتیاط فقط برای شاک در حکم تکلیفی امکان دارد؛ اما جهل به عده را به معنای غفلت از حکم وضعی می‌گیریم، یعنی شخص غافل بوده از اینکه ازدواج در عده موجب حرمت ابد می‌شود. در اینجا هم حضرت می‌فرماید که معذور است باینکه قدرت بر احتیاط دارد، چون بعد از اینکه متوجه شده که در عده ازدواج کردن موجب حرمت ابد است، نسبت به آینده می‌تواند احتیاط کند و با او ازدواج نکند ولی در عین حال، شارع ارفاقاً حرمت ابد را ثابت نکرده است و فرموده، بعد از انقضای عده می‌تواند با او ازدواج کند (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۱۰). محقق خراسانی بیان می‌دارد: ما جهل را به معنای خصوص جهل بسیط نمی‌گیریم و تفکیک هم نمی‌کنیم به این صورت که بگوییم که جهل به حکم در معنای غفلت و جهل به موضوع در معنای جهل بسیط استعمال شده، چون در سؤال سائل چنین تفکیکی فرض نشده است، بلکه جهل را به معنای عام (عدم العلم) می‌گیریم که هم غفلت و هم جهل بسیط را شامل می‌شود. منتهی با در نظر گرفتن مصادیق خارجی، جهل به حکم به غفلت انصراف پیدا می‌کند و جهل به موضوع به جهل بسیط انصراف پیدا می‌کند. وجه این انصراف آن است که حکم عده جزء ضروریات اسلامی است. مثل وجوب نماز که هر کسی التفات به آن پیدا کند، دیگر جهلی برایش باقی نمی‌ماند. لذا اگر در روایت جهل به حکم فرض شده، باید به موارد غفلت و عدم التفات حمل

شود؛ اما اینکه با فرض التفات بازهم جهل به حکم داشته باشد، خیلی نادر است؛ اما در جهل به موضوع، با فرض اینکه حکم عده را می‌داند معمولاً افراد تحقیق و پرس‌وجو می‌کنند که آیا زن در عده هست یا خیر و غفلت داشتن نادر است، لذا جهل بر جهل بسیط حمل می‌شود. با این بیان، وجه امکان احتیاط در جهل به موضوع و عدم امکان احتیاط در جهل به حکم روشن می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۳۹۳ق، ج ۱: ۲۰۱-۲۰۰). در نقد این دیدگاه می‌توان گفت: کلام محقق خراسانی رافع اشکال نیست چون درست است که در فرض علم به حکم و جهل به موضوع، غفلت داشتن نادر است و معمولاً افراد از حال زن تحقیق می‌کنند، ولی در همین فرض، چنانچه شخص بخواهد قبل از معلوم شدن وضعیت زن، با او اقدام به ازدواج کند، اینهم نادر است چون تحقیق مقدمه علم است و عادتاً اشخاص تا زمانی که علم پیدا نکنند، اقدام به ازدواج نمی‌کنند، بنابراین، حتی اگر جهل به موضوع را حمل بر جهل بسیط کنیم، گرچه چنین جهلی شایع است، اما اقدام به ازدواج با وجود این جهل، نادر است (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۰۸). اشکال دیگر بر کلام محقق خراسانی این است که ایشان بیان داشته حکم عده بین مسلمین جزء ضروریات است و لذا جهل به حکم را باید حمل به غفلت بکنیم و این سخن نادرستی است. همان‌طور که مرحوم شیخ در رسائل اشاره کرده، آنچه بین مسلمین ضروری است، اصل لزوم عده و عدم جواز تزویج در عده است، اما حدود عده، حکمش روشن نیست و حتی معرکه آراء است. لذا مصادیق جهل به حکم فقط موارد غفلت نیست و در موارد التفات هم جهل به حکم تصویر می‌شود (شبیری زنجانی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷۵).

۶- بهترین طریق جمع میان روایات و دیدگاه‌ها

صاحب حدائق در مقام جمع میان اخبار و معذور نبودن جاهل بیان می‌دارد: به وجوه مختلفی می‌توان میان اخبار جمع نمود بهترین جمع آن است که بگوییم جاهل همان‌گونه که بر غافل از حکم به صورت کلی، اطلاق می‌شود بر فرد غیر عالم به حکم ولو اینکه شک یا ظان باشد نیز اطلاق می‌شود و از اخبار این چنین برداشت می‌شود که جاهل به حکم شرعی به معنای دوم، غیر معذور است و فحص و تفتیش از ادله یا سؤال بر او واجب است و در صورت تعذر از وقوف و دستیابی به حکم، وظیفه‌ی او توقف و وقوف در مسیر احتیاط است؛ اما جاهل به معنای اول شکی در معذور بودن او نیست چراکه ادله نقلی و عقلی از توجه تکلیف غافل ذاهل منع می‌کنند و آنچه مشیر به این مطلب است این است که در روایت صحیح عبدالرحمن از امام (ع) آمده است که جاهل به تحریم ازدواج در عده‌ی أعذر (معذورتر) از جاهل به در عده بودن زن است، چراکه در صورت اول یعنی جهل به تحریم قدرت بر احتیاط ندارد به خاطر عدم تصور حکم الهی به صورت

کلی. برخلاف ظان و شاک درجایی که از دستیابی به علم معذور هستند که قدرت بر احتیاط دارند (بحرانی، بی تا، ج ۱: ۸۴-۸۳؛ فشارکی، ۱۴۱۳ق: ۵۴). به تعبیری اگر جاهل را مطلقاً معذور بدانیم لازمه‌ی آن تزییع احکام دینی خواهد بود (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۱: ۳۳).

۷- شرط وقوع دخول در ایام عده پس از عقد

در دخولی که در صورت جهل شرط حرمت ابدی است آیا در عده بودن معتبر است یا وقوع عقد در حال عده اگرچه دخول بعد از انقضای مدت واقع باشد کفایت می‌کند؟ در فقه امامیه در این رابطه چند دیدگاه مطرح است:

۱- دخول بعد از انقضاء مدت عده هم موجب حرمت ابدی است: محقق یزدی بیان می‌دارد: در دخولی که در صورت جهل شرط حرمت ابدی است آیا در عده بودن معتبر است یا وقوع عقد در حال عده اگرچه دخول بعد از انقضای مدت واقع باشد کفایت می‌کند؟ دو قول است که احوط قول دوم است که به خاطر اطلاق اخبار خالی از قوت هم نیست (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲ق، ج ۲: ۸۲۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۸۳). صاحب ریاض نیز با استناد به اطلاق روایات حکم حرمت ابدی را در خصوص دخول در عده و بعد عده یکسان می‌داند (حائری، بی تا، ج ۶: ۴۹۶). برخی نیز با عنایت به فساد چنین نکاحی چنین تحلیل کرده‌اند: آنچه موجب حرمت ابدی است دخول به زن بیگانه و نامحرم است که نکاحش فاسد بوده است و از این جهت فرقی میان دخول در عده و غیر آن نیست (لنکرانی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۰).

۲- دخول در ایام عده موجب حرمت ابدی است و خارج از ایام عده موجب حرمت ابدی نیست: صاحب جواهر در مخالفت با قول اول بیان می‌دارد: چنانچه دخول بعد از پایان مدت عده صورت گرفته باشد موجب حرمت ابدی نیست دلیل صاحب جواهر استنباط و استظهار از نصوص است. وی اقتصار به قدر متقین یعنی دخول در عده را وجیه می‌داند (نجفی، بی تا، ج ۲۹: ۴۳۳). شهید ثانی در مسالک الافهام بیان می‌دارد: وطی جاهل به تحریم بعد از عده اثری در تحریم ندارد هرچند که بعداً برای او علم حاصل شود. آنچه حرام و موجب حرمت ابدی است وطی در عده یا علم به تحریم در حال عقد است (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۳۳۷). یکی از علمای معاصر در این زمینه بیان می‌دارند: ازدواج در عده باطل است و اگر هیچ‌کدام نمی‌دانسته‌اند که زن در عده است و یا این که نمی‌دانسته‌اند که عقد کردن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او در زمان عده نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود و اگر نزدیکی بعد از زمان عده بوده است، عقد باطل است، ولی زن بر او حرام نمی‌شود، بلکه می‌تواند بعداً

زن را عقد نماید (بهجت، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۴۴). ایشان در جای دیگری بیان می‌دارند: نکاح در عده جایز نیست؛ و اگر با علم به عده و حرمت با زنی ازدواج کرد، حرمت ابدی به مجرد عقد ثابت می‌شود؛ و هم چنین با جهل به یکی از این دو، با دخول به معقوده در یکی از دو فرج؛ و اگر با جهل بود و دخول به معقوده نکرده باشد، آن عقد باطل است و می‌تواند بعد از عده، استیناف عقد نماید؛ و اگر عقد جاهل، در عده و دخول بعد از عده با جهل بود، اظهر عدم حرمت ابدی است و می‌تواند استیناف عقد نماید (بهجت، ۱۳۸۴، ج ۳: ۵۶۸).

۳- احتیاط: مطابق این دیدگاه هرچند که دیدگاه اول قوی نیست اما اگر دخول بعد عده صورت گرفت، احتیاط به ترک تزویج و طلاق در صورت تزویج توصیه می‌شود (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۴۵؛ همان، ۱۳۵۲، ج ۳: ۱۶۰).

در میان حقوقدانان و محشین قانون مدنی نیز همین اختلاف نظر مشاهده می‌شود. بعضی از حقوق دانان معاصر از عبارت ماده‌ی ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ چنین استنباط کرده‌اند که برای ایجاد حرمت کافی است که نکاح در عده واقع شود و در اثر آن نزدیکی به عمل آید خواه نزدیکی در عده باشد یا خارج از آن (امامی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۲۴) و برخی دیگر ضمن دفاع از دیدگاه صاحب جواهر دخول بعد از عده را موجب تحریم نمی‌دانند (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۱ و ۲).

تحلیل دیدگاه‌ها

با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد دیدگاه شهید ثانی و صاحب جواهر بیشتر قابل توجیه است. زیرا به‌طور کلی حرمت ابدی خلاف اصل است و مطابق قواعد و اصول همان‌گونه که صاحب جواهر بیان داشتند باید به‌قدر متقین اکتفا کرد. قدر متقین هم همین که ازدواج و دخول در عده باشد. از ماده ۱۰۵۱ ق. م. هم که می‌گوید: «... نزدیکی هم واقع شده باشد...» می‌توان استنباط کرد که از نظریه‌ی صاحب جواهر پیروی شده است. به‌خصوص اینکه حرمت ابدی خلاف اصل است و نباید در مورد آن تفسیر موسع صورت گیرد بلکه در این‌گونه موارد صحیح این است که تفسیر مضیق صورت گیرد (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۰۸) و اطلاق نصوص باب نیز انصراف به دخول در ایام عده دارد خصوصاً با توجه به مناسبت حکم و موضوع؛ یعنی اینکه موضوع ازدواج در عده و حکم حرمت ابدی است، پس برای تحقق موضوع باید دخول هم در ایام عده باشد تا حکم حرمت ابدی ثابت شود (تبریزی، ۱۳۹۳: ۶۱۸). لذا دخول بعد از عده موجب حرمت ابدی نمی‌شود. در تأیید این نظر می‌توان چنین استدلال کرد که نزدیکی با زن بعد از انقضاء عده مانند نزدیکی با زن آزاد و خالی از موانع نکاح است که در حرمت نکاح نمی‌تواند مؤثر باشد. به دیگر سخن در صورت جهل

به عده و حرمت نکاح، فقط نزدیکی با زنی که در عده است به منزله‌ی نزدیکی با زن شوهردار و موجب حرمت ابدی به شمار آمده است. پس اگر نزدیکی بعد از پایان گرفتن عده صورت گیرد، زن به منزله‌ی زن شوهردار نبوده و نزدیکی نباید موجب حرمت باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

۸- حکم شرعی فرزندان حاصل از ازدواج در عده

محقق حلی می‌گوید: اگر در عده ازدواج کند و دخول صورت گیرد و زن حامله شود در این صورت اگر مرد جاهل باشد فرزند به او الحاق می‌شود و اگر که از روز دخول تا تولد شش ماه یا بیشتر بگذرد و مرد باید مهر المسمی بدهد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۳۵). شهید ثانی ذیل کلام محقق حلی بیان می‌دارد: در اینجا در الحاق فرزند به مرد با جهل مرد اشکالی نیست چراکه مورد وطی به شبهه است و در موارد وطی به شبهه اگر امکان الحاق فرزند به پدر باشد ملحق می‌شود؛ و در اینجا مهر المسمی لازم نیست چون مهر المسمی برای تراضی در عقد صحیح و در برابر بضع است، اما اینجا عقد صحیح نبوده است. لذا مهر المثل واجب می‌شود چون مهر المثل برای جایی است که عقدی نباشد یا عقد باطل باشد (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۳ و ۳۹).

اگر مرد نداند که زن در عده است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه‌ای از آنان به دنیا بیاید، حلال زاده است و شرعاً فرزند هر دو است ولی اگر زن می‌داند که در عده است و می‌داند که ازدواج در عده حرام است شرعاً بچه، فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و به یکدیگر حرام می‌باشند (سبحانی، ۱۴۳۶ق: ۴۵۸). همچنین گفته شده: با فرض این که در عده‌ی غیر ازدواج کرده و دخول هم واقع شده زن بر مرد دوم حرام مؤبد می‌شود و فوراً باید از هم جدا شوند و اگر وطی شبهه باشد عده بگیرد و فرزندان آن‌ها اگر مرد جاهل به حکم یا موضوع بوده به پدرشان ملحق هستند و حکم ولد حلال را دارند و با فرض جهل در مورد مادر که در این فرض بعید است به مادر نیز ملحق می‌باشند (گلپایگانی، ۱۳۷۲ق، ج ۲: ۲۲۷).

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله ازدواج در عده یکی از مسائل مهم جامعه‌ی امروز است که گاهی تبدیل به یک بحران برای خانواده‌ها خصوصاً خانواده‌های متدین می‌شود. حکم ازدواج در عده در دو صورت علم به عده و حرمت و صورت جهل به آن با وقوع نزدیکی حرمت ابدی میان دو نفر است. مبنای این حکم روایات کثیره‌ی این باب است که پس از جمع میان روایات چنین حکمی به دست می‌آید. نتیجه جمع میان روایات به طرق مختلف این است که تمام الموضوع برای تحریم ابدی احد

الامرین است. اول دخول مطلقاً چه علم داشته باشد و چه علم نداشته باشد و دوم علم به حرمت چه دخول شود و چه دخول نشود.

حکم حرمت ابدی در صورت علم به عده و حرمت به راحتی قابل قبول است، اما در خصوص حرمت ابدی هنگام جهل و دخول، این حکم حرمت ابدی ظاهراً خلاف قواعد معذوریت جاهل است. اما با عنایت به روایات باب تعبدی و استثنایی بودن این حکم به دست می‌آید. لذا با عنایت به اینکه اینجا اجماع و حکم خاص شرعی وجود دارد چنین جهلی را مؤثر نمی‌دانند. به تعبیری اگر جاهل را مطلقاً معذور بدانیم لازمه‌ی آن تضييع احکام دینی خواهد بود.

یکی از راه‌های رهایی از حرمت ابدی در این مسئله این است که معمولاً صیغهی عقد ازدواج، توسط وکیل اجرا می‌گردد. یعنی عروس و داماد به وکیل خود وکالت می‌دهند که صیغهی صحیح نکاح را برای آنان جاری نماید. بنابراین، محدوده‌ی وکالت وکیل «ایجاد عقد صحیح» است، نه ازدواجی که فاسد است و حرمت ابدی به دنبال داشته باشد. بدین جهت، چنانچه وکیل صیغهی عقد ازدواج فاسدی را اجرا کند، چنین عقدی اثری ندارد، زیرا از روی ناآگاهی خارج از محدوده‌ی وکالتش عمل کرده و صیغهای خوانده که وکالت در آن نداشته است. بنابراین هیچ اثری بر چنین نکاحی بار نمی‌شود. هرچند روابط زناشویی آن مرد و زن روابط حرامی محسوب نمی‌شود، زیرا تصور می‌کردند زن و شوهر هستند و در حقیقت احکام وطی به شبهه را دارد. بنابراین در حقیقت عقدی از سوی زوجین نه مباشرتاً و نه وکالتاً انجام نشده تا موجب حرمت ابدی شود. این، راهکاری مشروع و هماهنگ با ادله‌ی شرعی است، برای کسانی که مبتلا به نکاح در عده می‌شوند. همچنین ایام عده در زنان متفاوت است ممکن است عده برخی زنان کمتر از یک ماه باشد لذا باید به دوره‌ی عده نیز توجه شود.

اطلاق نصوص باب نیز انصراف به دخول در ایام عده دارد. خصوصاً با توجه به مناسبت حکم و موضوع؛ یعنی اینکه موضوع ازدواج در عده و حکم حرمت ابدی است، پس برای تحقق موضوع باید دخول هم در ایام عده باشد تا حکم حرمت ابدی ثابت شود، پس اگر نزدیکی بعد از پایان گرفتن عده صورت گیرد، زن به منزله‌ی زن شوهردار نبوده و نزدیکی موجب حرمت نیست.

همچنین اگر مرد نداند که زن در عده است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه‌ای از آنان به دنیا بیاید، حلال زاده است و شرعاً فرزند هر دو است ولی اگر زن می‌داند که در عده است و می‌داند که ازدواج در عده حرام است شرعاً بچه، فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و به یکدیگر حرام می‌باشند.

در نهایت با توجه به مباحث صورت گرفته موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱- مواد ۱۰۵۰ قانون مدنی بدین شکل اصلاح شود: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند و صیغه‌ی عقد مباشرتاً توسط خود زوجین جاری شده باشد، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود. اما اگر صیغه‌ی نکاح توسط وکیل جاری شده باشد موضوع از باب وطی به شبهه بوده و موجب حرمت ابدی نخواهد بود».

۲- تبصره‌ای ذیل ماده ۱۰۵۱ با این شرح افزوده گردد: ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی: «حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد. در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود».

تبصره: برای تحقق موضوع حرمت در ماده فوق باید دخول هم در ایام عده باشد تا حکم حرمت ابدی ثابت شود، پس اگر دخول بعد از پایان گرفتن عده صورت گیرد، زن به منزله‌ی زن شوهردار نبوده و نزدیکی موجب حرمت نیست.

منابع

- ◀ ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۶ ق). التوحید، جلد ۲۴، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ اشتهاوردی، علی پناه، (۱۳۷۷). مدارک العروه، جلد ۲۹، تهران: انتشارات سازمان حج اوقاف و امور خیریه.
- ◀ صفایی، سید حسین و اسدالله امام، (۱۳۸۴). مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان.
- ◀ امامی، حسن، (۱۳۸۶). حقوق مدنی، جلد ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ◀ انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴ ق). رسائل، جلد ۱، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- ◀ آخوند خراسانی، محمدکاظم، (۱۳۹۳ ق). درر الفوائد، جلد ۱، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ◀ بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره، جلد ۱، بی تا بی جا.
- ◀ بهجت، محمدتقی، (۱۳۸۶). استفتائات، جلد ۴، قم: دفتر حضرت آیه الله العظمی محمدتقی بهجت.
- ◀ _____ (۱۳۸۴). جامع المسائل، جلد ۳، قم: دفتر حضرت آیه الله العظمی محمدتقی بهجت.
- ◀ تبریزی، ابوطالب تجلیل، (۱۳۹۳ ق). التعلیقه الاستدلالیه علی تحریر الوسیله: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ◀ حائری یزدی، عبدالکریم، (۱۴۱۸ ق). درر الفوائد، جلد ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، (۱۲۹۶ ق). القواعد و الفوائد و الاجتهاد و التقليد، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- ◀ حائری، سید علی بن محمد طباطبایی یزدی، ریاض المسائل، جلد ۱۱، ۶، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.
- ◀ حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه، جلد ۱۵، قم: آل البيت.
- ◀ موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۹ ق). تحریر الوسیله، جلد ۲، قم: دار العلم، موسسه النشر الاسلامی: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۱ ق). المبانی فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳۲، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- ◀ _____ (۱۴۱۸ ق). موسوعه الامام خوئی، جلد ۳۲، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- ◀ سبحانی، جعفر، (۱۴۳۶ ق). توضیح المسائل، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- ◀ شبیری زنجانی، (۱۳۷۸ ق). کتاب النکاح، جلد ۵، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
- ◀ جبعی‌العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ ق). مسالک الافهام، جلد ۷، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ◀ طباطبایی حکیم، محسن، (۱۴۱۶ ق). مستمسک العروه الوثقی، جلد ۴، ۱۴، قم: موسسه دارالتفسیر.

- ◀ طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۳۹۲ ق). *غایه القصوی فی ترجمه عروة الوثقی*، جلد ۲، تهران: دینا.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ ق). *الخلاص*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ علامه حلی، (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام*، جلد ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ◀ لنکرانی، محمد فاضل موحدی، (۱۴۲۱ ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، کتاب نکاح، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
- ◀ فشارکی، محمد، (۱۴۱۳ ق). *الرسائل الفشارکیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۳ ق). *الخصال*، جلد ۹، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، *النور الساطع فی الفقه النافع*، جلد ۱، بی تا، بی جا: مطبعة الآداب.
- ◀ گلپایگانی، محمد رضا، (۱۳۷۲ ق - ۱۲۷۷ ق). *مجمع المسائل*، جلد ۲، قم: دفتر آیه الله حاج شیخ حسین ایوقی.
- ◀ _____ (۱۳۷۲ ق - ۱۲۷۷ ق). *هدایه العباد*، جلد ۲، قم: دارالقرآن کریم.
- ◀ _____ (۱۳۵۲ ق). *وسیله النجاه*، جلد ۳، قم: نیکنام.
- ◀ محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق). *شرایع الاسلام*، جلد ۲، قم: اسماعیلیان.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۹). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸). *حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح در فقه اسلامی*، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
- ◀ نجفی، محمدحسین، *جواهرالکلام*، جلد ۲۹، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- ◀ جامع الاحادیث مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- ◀ جامع فقه اهل بیت دو.
- ◀ پایگاه استفتائات (khameneni.ir).